

فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی

سال سوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۱ (پیاپی ۱۲)

مقایسه عملکرد خانواده و رضایت مندی زناشویی در زنان متاهل شاغل و غیر شاغل

(خانه دار) شهر تهران

دکتر پانته آ جهانگیر*

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی عملکرد خانواده^۱ و رضایت مندی زناشویی^۲ در زنان متاهل شاغل و غیرشاغل شهر تهران صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش، کلیه زنان متاهل شاغل موسسات (نهادهای) دولتی و زنان متاهل غیر شاغل شهر تهران بودند، که از این تعداد ۱۰۰ نفر زن متاهل شاغل و ۱۰۰ نفر زن متاهل غیر شاغل (مجموعاً ۲۰۰ نفر) با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده ها از ابزار سنجش خانواده (FAD) و پرسشنامه رضایت مندی زناشویی (انریچ^۳) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون t استودنت جهت دو گروه مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته ها نشان داد که ۱- بین عملکرد خانواده در زنان متاهل شاغل و غیر شاغل تفاوت معنی داری وجود دارد ۲- بین رضایت مندی زناشویی زنان متاهل شاغل و غیر شاغل تفاوت معنی داری وجود دارد ۳- بین عملکرد خانواده و رضایت مندی زناشویی در زنان شاغل و غیر شاغل رابطه معنی داری وجود دارد.

کلید واژه ها: عملکرد خانواده، رضایت مندی زناشویی، زنان متاهل شاغل و غیر شاغل

مقدمه

خانواده یکی از نخستین نهادهای اجتماعی محسوب می شود که ساختار مشخص و معینی دارد که متاثر از تغییرات و تحولات اجتماعی است (وژوقی، ۱۳۸۷). در سال های اخیر همراه با دگرگونی های صنعتی جوامع، تغییرات ورزشی، سنتی و دگرگونی های بنیادی در ساختار شغلی جامعه رخ داده است و نتیجه تغییر نگرش ها، زنان وارد عرصه اشتغال شده اند. هر چند هنوز انتظار می رود که زنان و مردان در خانواده تقسیم کارشان را بر حسب جنسیت و بر اساس تصورات قالبی سنتی مورد توجه قرار دهند، با این حال، امروزه زنان نقشی جدید به عهده گرفته اند که تنوع و تعدد نقش ها و مسئولیت های چند گانه ای را

* عضو هیئت علمی گروه مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

1- Family Function

3- ENRICH

2- Marital Satisfaction

برای آنان به وجود آورده است. به هر حال، تغییر راه و رسم زندگی جدید، شیوه سنتی را تحت تاثیر قرار می دهد؛ ولی وادار بودن کانون گرم خانوادگی و رضایت از زندگی از مهم ترین مسائلی است که همچنان باید مورد توجه واقع گردد (اشتغال زن در فعالیت های خارج از چارچوب خانواده طی چند دهه گذشته بویژه در جوامع شهری تدریجاً افزایش یافته است و با توجه به نقش زن عملکرد خانوادگی مسائلی چون تاثیر اشتغال زن بر سلامت روان خانواده، شیوه و نقشی فرزند پروری آن ها رضایت مندی زناشویی و عملکرد آن ها در درون خانواده مطرح گردیده است (بارنت^۱، ۱۹۹۳؛ فرید، ۱۳۷۱؛ وثوقی، ۱۳۸۷).

بر هیچ کس پوشیده نیست که خانواده مامن آرامش و جایگاه به شکوفا رساندن استعدادهاست. افراد در درون خانواده از هم تاثیر می پذیرند و بر هم تاثیر می گذارند. مسلماً شکوفایی افراد خانواده، متاثر از عملکرد درونی خانواده است. در پی تبیین های مختلفی که جهت شناسایی، سبب شناسی اختلالات روانی صورت گرفته است، خانواده درمانگران پویایی های متعامل درون خانواده را مورد بررسی قرار داده اند و بر این عقیده اند که مشکل روانی به هر دلیل که بروز کرده باشد، باید شبکه روابط و مراوداتی که فرد در آن قرار دارد، مورد بررسی قرار گیرد (فرانکلین^۲ و هافربری^۳، ۲۰۰۰).

سلامت خانواده در گرو تداوم و سلامت رابطه بین زن و شوهر می باشد و رابطه زناشویی هسته مرکزی نظام خانواده است. و اختلال در آن به منزله تهدیدی جدی برای بقای خانواده محسوب می شود.

هر گاه به خاطر وجود اختلافات زندگی، خانواده های بسیاری در معرض خطر نابسامانی و از هم پاشیدگی قرار می گیرند. و از آنجا که خانه جایی است که زندگی در آن آغاز می شود، نبودن روابط مطلوب اثرات مخربی بر روی اطفال می گذارد. عوامل ساختاری خانواده در صورتی که دچار اختلال شود، باعث ایجاد مشکل در کارکرد خانواده و تاثیر نامطلوب بر شخصیت فرزندان می گردد. بنابراین رضایت فرد از رابطه زناشویی، به منزله رضایت او از خانواده و به طور کلی رضایت او از زندگی محسوب می شود (سلیمانیان، ۱۳۷۳).

همچنین ایس (۱۳۷۵) معتقد است که رضایت زناشویی احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهر است، موقعی که همه جنبه های ازدواجشان را در

نظر بگیرند. رضایت یک متغیر نگرشی است و بنابراین یک خصوصیت فردی زن و شوهر محسوب می شود.

اگر عملکرد خانواده را مجموعه ای از وظایف، نقش ها و انتظاراتی که اعضای خانواده در مقابل یکدیگر دارند (نجاریان، ۱۳۷۴)، بدانیم. بنابراین خانواده در مشخص کردن نقش ها و وظایف بین اعضاء، تفاهم درباره نقش های محول شده، عادلانه و منطقی بودن وظایف و نقش ها، قدرت برنامه ریزی برای انجام وظایف، تبیین نقش ها و مرزها برای اعضاء، وضع مقررات برای برقراری نظم در خانواده، حمایت از یکدیگر در مواقع بحران، ارتباط صریح، اعتماد متقابل و مسئولیت پذیری، نقش اساسی را ایفا می کند.

نگرش نسبت به اشتغال زنان در خارج از خانه و فعالیت های اجتماعی آن ها بسیار متفاوت است. برخی از تحقیقات انجام شده در خارج کشور، حاکی از آن است که اداره نقش های دوگانه (خانه داری و کارمندی)، بویژه هنگامی که نیازهای فردی مطرح می شود، دشوار است (هانسن^۱، ۲۰۰۷).

با این حال، بسیاری از تحقیقات انجام شده دیگر نشان می دهد که اشتغال زنان در خارج از خانه باعث افزایش خود پنداره اجتماعی مثبت، رضایت زناشویی بالاتر می گردد و زنان شاغل احساس کارایی و کفایت بیشتری نسبت به زنان خانه دار دارند (بوانس^۲، ایپکوج^۳، ۲۰۰۵؛ تولر^۴ و همکاران ۲۰۰۹؛ ساکو^۵، ۱۹۹۳؛ مانی^۶، ۲۰۰۴).

هدف از انجام این پژوهش بررسی فرضیه های زیر است:

- ۱- بین عملکرد خانواده زنان متاهل شاغل و غیر شاغل تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۲- رضایت مندی زناشویی زنان متاهل شاغل و غیر شاغل تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۳- بین عملکرد خانواده و رضایت مندی زناشویی در زنان شاغل و غیر شاغل رابطه معناداری وجود دارد. روش پژوهشی حاضر پس از رویدادی و از نوع مقایسه ای است.

آزمودنی ها

جامعه آماری پژوهش، کلیه زنان متاهل شاغل موسسات دولتی و زنان متاهل غیر شاغل شهر تهران بودند، که از این تعداد ۱۰۰ نفر زن متاهل شاغل و ۱۰۰ نفر زن متاهل غیر شاغل

1- Hansen
2- Bowans
3- Ipecoch

4- Toller
5- Sacco
6- Mani

(مجموعاً ۲۰۰ نفر) با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. جهت انتخاب زنان شاغل، نمونه ها از بین کارمندان مراکز دولتی انتخاب شدند، بدین منظور از بین مراکز دولتی تعدادی انتخاب و پرسشنامه ها به طور تصادفی در بین کارکنان زن در کلیه سطوح کاری با توجه به سطوح تحصیلات توزیع شد. جهت انتخاب زن خانه دار، از بین مناطق ۲۰ گانه تهران، ۳ منطقه (۱۸،۷،۳) با توجه به منطقه اقتصادی اجتماعی بالا، متوسط و پایین انتخاب شد. سپس از بین محل های این مناطق یک محل انتخاب گردید و به صورت تصادفی به درب خانه ها مراجعه و پرسشنامه ها با توجه به حجم هر منطقه توزیع شد. در ضمن میزان تحصیلات زنان شاغل و غیر شاغل کنترل گردید، بنابراین در پژوهش حاضر، میزان تحصیلات در سه سطح (دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس) در زنان شاغل و غیر شاغل برابر می باشد. همچنین متغیر کنترل برای زنان شاغل و غیر شاغل حداقل ۵ سال سابقه ازدواج و ۵ سال سابقه کار می باشد.

۱- ابزار سنجش عملکرد خانواده

این ابزار برای سنجش عملکرد خانواده بر اساس «الگوی مک مستر» تدوین شده است. ابزار سنجش عملکرد خانواده نخستین بار در سال ۱۹۸۳ توسط استین^۱، بالد وین^۲، بیشاپ^۳ با هدف توصیف ویژگی های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه شده است، که توانایی خانواده را در سازش با حوزه وظایف خانوادگی، مورد بررسی قرار می دهد.

در ایران اولین کوشش علمی به منظور هنجاریابی، این ابزار را نجاریان (۱۳۷۴) به عمل آورد. وی با استفاده از روش تحلیل عوامل توانست سه سازه را در این آزمون شناسایی و نام گذاری کند. این سه سازه (نقش ها، حل مسأله و ابزار عطف) می باشند. وی ضریب همسانی درونی این آزمون را ۰/۹۳ اعلام کرد. مجدداً در تحقیق دیگری توسط صیادی (۱۳۸۱) فرم اصلاح شده FAD-1 نجاریان مورد بررسی قرار گرفت و همسانی درونی در کل مقیاس ۰/۹۳/۲ و در سازه های نقش ها، حل مساله و ابزار عطف به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۶۳ برآورد شد.

این ابزار از نوع مواد کاغذی بوده که مشتمل بر ۴۵ سوال است. این پرسشنامه روش درجه بندی لیکرت دارد و به هر سوال نمره یک تا چهار تعلق می گیرد. به سوالاتی که توصیف کننده عملکرد ناسالم خانواده است، نمره معکوس تعلق می گیرد، در کل نمرات بالا نشان دهنده

عملکرد سالم و نمرات پایین نشان دهنده عملکرد مختل خانواده می باشد (نجاریان ۱۳۷۴، صیادی ۱۳۸۱).

۲- آزمون رضایتمندی زناشویی (انریچ)

این آزمون توسط اولسون^۱، فونیر^۲، دراگمن^۳ (۱۹۸۹) ساخته شد. این آزمون برای ارزیابی زمینه های بالقوه مشکل زایا شناسایی زمینه های قوت و پربار سازی رابطه زناشویی به کار می رود. اولسون از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کرده و معتقد است که این مقیاس به تغییراتی که در طول دوره حیات آدمی رخ می دهد، مربوط می شود. هم چنین در این خصوص نسبت به تغییراتی که در خانواده به وجود می آید، حساس است. وی همچنین عنوان می کند که این پرسشنامه را می توان به عنوان یک ابزار تشخیص برای زوج هایی که در جستجوی مشاوره زناشویی و به دنبال تقویت رابطه زناشویی شان هستند، به کار برد (ثنایی، ۱۳۸۸: سلیمانیان، ۱۳۷۳).

آزمون رضایت زناشویی انریچ^۴ از ۱۱۵ سوال بسته و ۱۲ مقیاس تشکیل شده است. پاسخ به سوالات به صورت ۵ گزینه ای (کاملاً موافق- موافق - نه موافق و نه مخالف- مخالف- کاملاً مخالف) است. برای اولین بار در ایران سلیمانیان (۱۳۷۳) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی از این ابزار استفاده کرد. اولسون، فرنیر، دراگمن ضریب اعتبار این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ، ۰/۹۲ گزارش کرده اند.

با توجه به زیاد بودن سوال های پرسشنامه (۱۱۵ پرسش) که موجب خستگی بیش از حد آزمودنی ها می شد، سلیمانیان (۱۳۷۳) فرم کوتاهی از این پرسشنامه را از طریق روش تحلیل عوامل به دست آورد. فرم کوتاه این پرسشنامه ۴۷ سوال دارد که ضریب آلفای کرونباخ جهت اعتبار آن ۰/۹۳ به دست آمد (سلیمانیان، ۱۳۷۳). در این پژوهش از فرم ۴۷ سوالی رضایت مندی زناشویی استفاده شده است. که یک نمره کل از رضایت زناشویی را مشخص می سازد. این مقیاس در پژوهش حاضر ضریب آلفا ۰/۸۳ به دست آمد. پژوهش های زیادی مورد استفاده قرار گرفته و اعتبار و روایی خوبی را نشان داده است. در پژوهش وحدت نیا (۱۳۸۴) ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۸۶ و ضریب اعتبار مجدد ۰/۸۶ به دست آمد.

1- Olson
2- Fournier

3- Druckman
4- Enrich

روش اجرا

مراحل اجرایی پژوهش بدین ترتیب بود که، پس از تعیین تعداد نمونه مورد نظر و همچنین تعداد مراکز و سازمان های دولتی و محله های موجود در مناطق منتخب به شیوه نمونه گیری تصادفی، از نوع خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. پس از انتخاب نهادها و سازمان های دولتی مورد نظر و هماهنگی با مراکز و سازمان ها، پرسشنامه ها بین کارکنان زن واجد شرایط جامعه آماری به صورت تصادفی توزیع شد. برای انتخاب زنان خانه دار در محله های انتخاب شده از مناطق مورد نظر (۳، ۷، ۱۸)، با مراجعه به درب خانه اقدام به توزیع پرسشنامه بین زنان خانه دار واجد شرایط جامعه آماری گردید. در ضمن میزان تحصیلات در بین زنان شاغل و غیر شاغل در سه سطح (دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس) در نظر گرفته شد. در این تحقیق از چندین پرسشگر استفاده شد و قبلا موارد مربوط به تکمیل سوالات پرسشنامه و نحوه پاسخ دهی به سوالات آزمودنی ها تعلیم داده شده بود. جهت داده های جمع آوری شده از مراحل مختلف پژوهش با روش t استودنت جهت دو گروه مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید و با بسته نرم افزاری SPSS/PC مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته های پژوهشی

نتایج مربوط به مشخصات آماری نمونه مورد پژوهش در جدول ۱، نمایش داده شده است.

جدول ۱. نتایج مربوط به مشخصات آماری نمونه پژوهش

گروه ها	فراوانی	درصد
کارمند (شاغل)	۱۰۰	۵۰
خانه دار (غیر شاغل)	۱۰۰	۵۰
مجموع	۲۰۰	۱۰۰

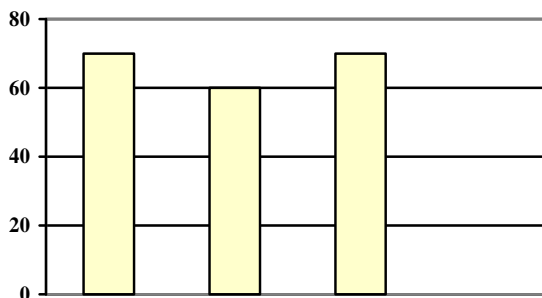
همچنان که در جدول بالا ملاحظه می شود، از کل ۲۰۰ نفر افراد گروه نمونه ۱۰۰ نفر شاغل و ۱۰۰ نفر غیر شاغل می باشند که هر کدام ۵۰٪ کل نمونه را به خود اختصاص داده است.

در جدول ۲، توزیع افراد و درصد زنان بر حسب میزان تحصیلات نشان داده شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد فراوانی بر حسب میزان تحصیلات در زنان شاغل و غیر شاغل

گروه ها	فراوانی	درصد
دیپلم	۷۰	۳۶
فوق دیپلم	۶۰	۲۸
لیسانس	۷۰	۳۶
جمع	۲۰۰	۱۰۰

در جدول بالا، بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات دیپلم می باشد. بدین معنی که ۷۰ نفر از ۲۰۰ نفر زن، میزان تحصیلات آن ها دیپلم بوده است، که در کل ۳۶ درصد گروه نمونه را به خود اختصاص داده است. فراوانی لیسانس و فوق دیپلم به ترتیب ۷۰ و ۶۰ هستند که هر کدام به ترتیب ۳۶٪ و ۲۸٪ از کل افراد نمونه را به خود اختصاص داده اند.



شکل ۱. نمودار ستونی از میزان تحصیلات نمونه تحقیق را نمایش می دهد.

جهت بررسی فرضیه اول مبنی بر اینکه : بین عملکرد خانواده در زنان متاهل شاغل و غیر شاغل تفاوت معنی داری وجود دارد، از آزمون t مستقل بین دو گروه استفاده شد. نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. مقایسه میانگین نمرات عملکرد خانواده دو گروه از زنان نمونه پژوهش

T	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه	شاخص های آماری گروه ها
	۱۹۸	۱۹/۸۱	۱۰۱/۹۱	۱۰۰	شاغل
		۱۵/۴۶	۷۸/۰۵	۱۰۰	غیر شاغل

$$p < 0/001$$

باتوجه به مقدار t به دست آمده بین دو گروه تفاوت معنا داری در عملکرد خانواده آن ها وجود دارد و با توجه به میانگین ها ملاحظه می شود که زنان شاغل عملکرد خانواده بهتری نسبت به زنان غیر شاغل دارند.

جدول ۴. مقایسه میانگین خرده مقیاس های عملکرد خانواده در دو گروه از زنان نمونه پژوهش

t	انحراف معیار	میانگین	گروه ها	شاخص های آماری خرده خرده مقیاس ها
	۱۴/۶۱	۴۸/۵۵	شاغل	نقش ها
۸/۱۱۳*	۹/۹۱	۳۴/۱۰	غیر شاغل	
	۷/۴۰	۳۱/۸۶	شاغل	حل مساله
۵/۸۲۳*	۷/۴۹	۲۵/۷۹	غیر شاغل	
	۶/۲۶	۲۱/۶۹	شاغل	ابراز عواطف
۱/۳۸۳	۵/۷۷	۲۰/۵۰	غیر شاغل	

$$n1=n2=100 \quad dF = 198 \quad p < 0/001$$

با توجه به مقدار t به دست آمده بین دو گروه از زنان (شاغل و غیر شاغل) در خرده مقیاس های عملکرد خانواده (نقش ها، حل مساله) تفاوت معنی داری در عملکرد خانوادگی هر دو گروه وجود دارد و با توجه به میانگین ها ملاحظه می شود که زنان شاغل در خرده

مقیاس های نقش ها و حل مساله عملکرد بهتری از نسبت زنان به غیر شاغل دارند؛ ولی در خرده مقیاس ابراز عواطف این تفاوت مشاهده نشد. جهت بررسی فرضیه دوم، مبنی بر این که بین رضایتمندی زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معنی داری وجود دارد، از آزمون t مستقل بین دو گروه استفاده شد. نتایج در جدول ۵ نمایش داده شده است.

جدول ۵. مقایسه میانگین نمرات رضایت مندی زناشویی دو گروه از زنان نمونه

شاخص های آماری	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	T
شاغل	۱۰۰	۷۳/۰۴	۱۵/۸۸	۱۹۸	۱۰/۲۴۹x
غیر شاغل	۱۰۰	۴۹/۷۶	۱۶/۰۱		

$p < 0.001$

با توجه به مقدار t به دست آمده بین دو گروه تفاوت معنا داری در رضایت مندی زناشویی آن ها وجود دارد و با توجه میانگین ها ملاحظه می شود که زنان شاغل رضایت مندی زناشویی بیشتری نسبت به زنان غیر شاغل دارند. جهت بررسی فرضیه سوم، مبنی فرضیه سوم، مبنی بر این که بین عملکرد خانواده و رضایت مندی زناشویی در زنان شاغل و غیر شاغل رابطه معناداری وجود دارد، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج در جدول ۶ نمایش داده شده است.

جدول ۶. تعیین ماتریس همبستگی پیرسون بین زنان شاغل و غیر شاغل رضایت مندی زناشویی (انریچ) و عملکرد خانواده (FAD)

رضایت زناشویی	کارایی خانواده	نقش ها	حل مساله	ابراز عواطف
۱	۰/۴۸۸**	۰/۵۱۴**	۰/۲۵۴**	۰/۲۱۲**
۰/۴۸۸**	۱	۰/۹۲۳**	۰/۸۷۱**	۰/۶۸۸**
۰/۵۱۴**	۰/۹۲۳**	۱	۰/۳۳۳**	۰/۲۵۵**
۰/۲۵۴**	۰/۸۷۱**	۰/۳۳۳**	۱	۰/۱۸
۰/۲۱۲**	۰/۶۸۸**	۰/۲۵۵**	۰/۱۸	۱

** همبستگی در سطح $P < 0.01$ دو دامنه معنادار است.

N=200

همان طور که در جدول ۷ نشان داده شده است، بین رضایتمندی زناشویی و عملکرد خانواده و کلیه خرده مقیاس های آن رابطه معناداری وجود دارد. از طرفی، در طی تجزیه و تحلیل داده ها، نتایج جانبی نیز به دست آمده که جهت غنا بخشیدن به پژوهش به ذکر آن ها می پردازیم. همان طور که در ادامه مشاهده می شود، بین میزان تحصیلات و رضایت مندی زناشویی و عملکرد خانوادگی در زنان متأهل شاغل و غیر شاغل رابطه معناداری به وجود آمد. نتایج در جدول ۷ گزارش شده است.

جدول ۷. ضرایب همبستگی بین رضایت مندی زناشویی، عملکرد خانواده و میزان تحصیلات در زنان شاغل و غیر

شاغل		شاغل	
میانگین رضایت مندی زناشویی	میانگین عملکرد ضریب همبستگی r	میانگین رضایت مندی زناشویی	میانگین عملکرد ضریب همبستگی r
۳۷/۰۴	۰/۱۵۸	۱۰۱/۹۱	۰/۰۵
۴۹/۷۹	۰/۱۶۰	۷۸/۰۵	۰/۰۵

N=200

بحث و نتیجه گیری

تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات نشان می دهد که ، بین عملکرد خانواده زنان متأهل شاغل و غیر شاغل تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که زنان شاغل دارای عملکرد خانوادگی بهتری نسبت به زنان غیر شاغل هستند. این یافته با تمام یافته های مطالعات قبلی در مورد عملکرد خانوادگی بهتری نسبت به زنان غیر شاغل هستند. این یافته با تمام یافته های مطالعات قبلی در مورد عملکرد خانوادگی بهتر نزد زنان شاغل همسو می باشد. برای مثال: کواپسکی^۱ (۱۹۸۸)، به نقل از کالیک^۲ (۲۰۰۱) و سکلسکی^۳ هندریک^۴ (۱۹۹۹)، کالیک (۲۰۰۱)، برنارد^۵ (۱۹۹۸) و کالترین^۶ (۲۰۰۰) در تحقیقات خاطر نشان می کنند که زنان شاغل دارای اعتماد به نفس بالاتری بوده و به دلیل استقلال مالی از قدرت تصمیم گیری بیشتری در خانواده برخوردارند، بنابراین در نظم دهی نظام خانوادگی بیشتر شرکت داشته و عملکرد خانوادگی بهتری نسبت به زنان غیر شاغل (خانه دار) دارند. از طرفی، آن ها متذکر

1-Kowa iski
2-Kolik
3- Sokoloski

4-Hendrick
5-Bernard
6-Coltrane

شدند که ابراز عواطف (عشق پرشور و علاقه)، تصمیم گیری در برابر خانواده و داشتن نقش های روش بین اعضاء و تشریک مساعی در امور زندگی بین خانواده هایی که هر دو زوج شاغل هستند، منجر به عملکرد بهتری نسبت به خانواده هایی می شود که زنان نقش سنتی خانه داری به عهده دارند.

هم چنین تیچنر^۱ (۲۰۰۵) در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافت که توازن و تعادل در انجام کارهای خانگی (تقسیم وظایف امور خانواده) در بین زوجین شاغل منتج به عملکرد خانوادگی مطلوب می گردد، از طرفی وی خاطر نشان کرد که عدم تعادل در وظایف محوله در زندگی خانوادگی، روشن نبودن وظایف، تقسیم غیر عادلانه امور زندگی منجر به عملکرد نامطلوب در خانواده هایی می شود که زنان عمدتاً غیر شاغل تلقی می گردند.

از طرفی هارتنگ^۲ و راگرس^۳ (۲۰۰۰) یادآور شدند، زنان شاغلی که تعهد شغلی بالای نسبت به شغل خود دارند، نسبت به زندگی و خانواده خود نیز تعهد بالای را احساس می کنند. یافته دیگر پژوهش این است که، بین رضایت مندی زناشویی در زنان متاهل شاغل و غیر شاغل تفاوت معناداری وجود دارد. به گونه ای که نتایج نشان می دهد، رضایت مندی زناشویی نزد زنان متاهل شاغل بیشتر از زنان متاهل غیر شاغل (خانه دار) است. این یافته نیز با تمام یافته های قبلی در مورد، بالا بودن سطح رضایت مندی زناشویی در زنان شاغل متاهل نسبت به زنان متاهل غیر شاغل همخوانی دارد.

برای مثال بوناس، ایپکوچ، تالر^۴ (۲۰۰۵) و همکاران (۲۰۰۹) و مانی (۲۰۰۴) در تحقیقات خود خاطر نشان می کنند که زنان شاغل نسبت به زنان غیر شاغل (خانه دار)، به دلیل حضور فعال در اجتماع دارای خود پنداره مثبت اجتماعی بالاتری هستند. این خود پنداره متاثر از ویژگی های شخصیتی آن ها میزان تحصیلات و رضایت آن ها از زندگی و ازدواج می باشد. این محققان به این نتیجه دست یافتند که هر چقدر خود پنداره اجتماعی زنان مثبت تر باشد، خود را بهتر می پذیرند و رضایت مندی زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل انجام داد، به این نتیجه دست یافت که زنان شاغل سطح بالاتری از رضایت مندی زناشویی را نسبت به زنان خانه دار دارند.

همچنین ویلکی^۱ (۱۹۹۸) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که، رضایت مندی زناشویی با تقسیم عادلانه امور زندگی رابطه مستقیمی دارند و زنانی که شاغل هستند، از قدرت تصمیم گیری و حل مساله بالایی نسبت به زنان غیر شاغل برخوردارند، در نتیجه از رضایت مندی زناشویی بالاتری دارند.

برنارد (۱۹۹۸) در طی تحقیقی که بر روی رضایت مندی زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل (خانه دار) انجام داد، به این نتیجه دست یافت که زنان خانه دار رضایت مندی زناشویی کمتری نسبت به زنان شاغل دارند.

بررسی بارنت نشان می دهد که زوج های هر دو شاغل دارای روابط زناشویی مستحکم تری هستند و رضایت از زندگی و احترام به خود بیشتری در آن ها دیده می شود. هم چنین تحقیق اسدخانی (۱۳۷۸) میزان رضایت از زندگی زناشویی زنان شاغل را بالاتر از میانگین نشان می دهد.

کرمرودی (۱۳۷۶) در بررسی خود نشان می دهد که زنان شاغل بیش از زنان غیر شاغل از زندگی زناشویی خود احساس رضایت دارند. یافته دیگر پژوهش حاکی از این است که، بین عملکرد خانواده و رضایت مندی زناشویی در زنان شاغل و غیر شاغل رابطه معناداری وجود دارد. این یافته نیز همسو با تحقیقات انجام شده در خارج از کشور می باشد.

برای مثال کاتز^۲، بریگر^۳ (۱۹۸۸) و استیون^۴، کیگر^۵ (۲۰۰۱) به نقل از کلیک^۶ (۲۰۰۱) خاطر خاطر نشان کردند که رضایت مندی زناشویی رابطه تنگاتنگی با عملکرد خانواده (نقش ها، قدرت تصمیم گیری) حل مساله و ابراز عواطف، در بین زوجین دارد. آن ها در تحقیقات خود نشان دادند که رضایت مندی زناشویی تحت تاثیر برابری در تصمیم گیری در امور زندگی و ابراز عواطف در درون خانواده و همچنین میزان تحصیلات می باشد. همچنین آن ها یادآور شدند که رضایت زن از تقسیم کارهای خانگی و تعیین عادلانه وظایف از مهم ترین پیش بینی کننده های رضایت مندی زناشویی است.

همان طور که قبلاً ذکر شد، یکی از نتایج پژوهش نشان داد که بین میزان تحصیلات و عملکرد خانواده و رضایت مندی زناشویی در زنان متأهل شاغل و غیرشاغل رابطه معناداری به

1-Katz
2- Briger
3- Stevens

4- Kiger
5-Kolik

دست آمد. این یافته با تحقیقات انجام شده دیگر همخوان است. برای مثال کنز و بریجر (۱۹۸۸) و مانی (۲۰۰۴) در طی تحقیقات خود، نشان دادند که، میزان تحصیلات یکی از مولفه های اساسی رضایت مندی زناشویی در بین زنان شاغل قلمداد می شود.

از طرفی موسوی (۱۳۷۵)، شبانی حصار (۱۳۷۹) و حافظ شهرباف (۱۳۷۹) در تحقیقات خود خاطر نشان کردند که بین میزان تحصیلات و رضایت مندی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

به طور کلی بررسی نتایج این پژوهش نشان می دهد که اشتغال زنان و همچنین میزان تحصیلات آنان می تواند باعث بهبود عملکرد خانواده و افزایش رضایت مندی زناشویی شود و بدین ترتیب برای آنان پاداش به حساب آید.

منابع

- اسد خانی، فریبا. (۱۳۷۸)، بررسی رابطه بین رضایت از زندگی زناشویی و رابطه آن با نقش جنسیتی در زنان متاهل شهر تهران. وزارت کشور، استانداری تهران، کمیسیون بانوان
- الیس، آلبرت. (۱۳۸۸)، زوج درمانی. ترجمه: جواد صالحی فدردی، تهران، انتشارات میثاق.
- ثنایی، باقر. (۱۳۸۸)، مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران چاپ اول انتشارات بعثت.
- حافظ شهرباف، راضیه. (۱۳۷۹)، مقایسه ویژگی های شخصیتی زنان متاهل شاغل و خانه دار شهرستان مشهد و ارتباط آن با رضامندی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا (س)
- سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۷۳)، بررسی تاثیر تفکرات غیر منطقی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم

- شبانی حصار، حمید. (۱۳۷۹)، رابطه بین پایگاه های اقتصادی، اجتماعی زوجین با میزان رضایت‌مندی از زندگی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی
- صیادی، علی. (۱۳۸۱)، بررسی اثرات متقابل کارایی خانواده در بروز مشکلات روانی نوجوانان دختر و پسر پایه سوم دبیرستان‌های شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فرید، احمد. (۱۳۷۱)، سیر تحولی خانواده در ایران. فصلنامه زنان، سال اول، شماره ۸.
- کرم‌رودی، علی اکبر. (۱۳۷۶)، رابطه اشتغال زنان و رضایت زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- موسوی، رقیه. (۱۳۷۵)، بررسی و مقایسه عوامل موثر رضایت مندی زناشویی در سه گروه پزشکان، کارمندان و کارگران تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- نجاریان، فرزانه. (۱۳۷۴)، عوامل موثر بر کارایی خانواده: بررسی ویژگی های روان سنجی مقیاس FAD-1. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- وحدت نیا، ف. (۱۳۸۴)، بررسی مقایسه ای خودپنداره و رضایت زناشویی در زنان آزار دیده توسط همسر و زنان غیر آزار دیده شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- وثوقی، منصور. (۱۳۷۱)، مبانی جامعه‌شناسی. تهران، انتشارات خردمند.

- Barnett. R. C. (1993), Mutiple roles: Bergr. L.G.and Breznitz. Gender and psychological distress in hand book of stress. 2nded.New York : The Free press.

- Bernard, D. H. A. (1998), Residue of tradition :jobs, careers, and spouses time in house. *journal of marriage and the family*; 49, 281-390.
- Bowans, H .A . & Ipecoch, s. (2005), A marriage for moderns. New York: McGraw Hill.
- Coltrane, s. (2000), Research on house hold Labor: Modeling and measuring the social embedness of routine family work. *Journal of marriage and the family*; vol:62, pp. 208-260.
- Epstein , N.B; Badwin, L. M and Bishop, D. S. (2004), The mc-master family Assessment device. *Journal of marital and family therapy*; 9, 171-180.
- Franklin, N. B & Haferbray, B, (2000), Reacting out in family therapy. New york: Guilford press.
- Hurtung, p. j, & Rogers, j.R (2000), Work –family commitment and attitudes toward.
- Hansen, L. S. (2007), Intergrative life planning: work, family and community. Paper presented at International Round Table for the Advancement of counseling, July. Helsinki, finland.
- Kolik, L. Martial, (2001), Power relation's, resource and gender role Ideology, *journal of comparative family studies*vol: 30, No:2, p:189-206.
- Kolik, (2001), The impact of men's and women's retirement on marital relationship a comparative analysis . *journal of women aging*; vol:13, No:2, p:21-37.
- Mani,(2004), Brief report social self concept of educated unemployed women. *Journal of social psychiatry*; vol.44, pp.71-74.
- Sokolski, D. M.; Hendrick,ss (1999), Fostering Marital satisfaction. *Family Therapy* vol.26(1):39-49.
- Sacco,w. (1993), Attribution, perceptual and affective responses to depressed and nondepressed marital partners. *Journal of consulting and clinical psychology*; vol61, p: 650-659.
- Tichenor,V.J. (2003), Status and income as gendered resource : the case of marital power. *Journal of marriage and the family*vol: 61, p:638-650.
- Toller,A.; Kelley, B. and stebbing, s. (2009), Assertive sexrole stereotyping and self concept .*journal of psychology*;93,157-168.

-Wilkie, J. Gender and fairness. (1998), Marital satisfaction in two earner couples .journal of marriage and family; vol:60.p:577-589.